

## عوامل بازدارنده در توسعه منجی‌گرایی مهدوی از دیدگاه اسلامی

سید میرصالح حسینی جبلی\*

### چکیده

منجی‌گرایی یکی از وجوه مشترک ادیان توحیدی و از جمله پدیده‌های معنوی است که در ادیان مختلف وجود دارد. مصادیق منجی در میان پیروان ادیان، گوناگون است. مسلمانان، نجات جوامع بشری را در ظهور حضرت مهدی 7 می‌دانند و با توسل به آن حضرت، در زمینه‌سازی برای ظهور جامعه مهدوی تلاش می‌کنند. در مسیحیت نیز، نجات جامعه بشری را در ظهور حضرت عیسی 7 دانسته‌اند. در این میان، عده‌ایی از منجی‌گرایی مهدوی گریزان بوده و کسب درآمد و قدرت خود را در گرو ایجاد زمینه‌های کاذب معنویت‌گرایانه می‌دانند. شناخت عوامل بازدارنده مهدویت‌گرایی از دیدگاه اسلامی، از دغدغه‌های اصلی این پژوهش است. این مهم، با روش تحلیل ثانوی بر داده‌های نقلی که برگرفته از قرآن و حدیث است، انجام می‌شود. عواملی مانند: «خود» فردی، شیاطین، سحر، کسب پول و تنوع‌طلبی در معنویت‌گرایی، سبب جلوگیری از گسترش منجی‌گرایی مهدوی 7 می‌گردد و چگونگی کنترل این عوامل از یافته‌های نوآورانه این تحقیق است.

### کلیدواژه‌ها

منجی‌گرایی مهدوی، موعودگرایی، عوامل بازدارنده منجی‌گرایی.

## مقدمه

افرادی که از طریق ریاضت باطل، شیطان پرستی و تسخیر موجودات متافیزیکی، به اعمال معنوی می‌پردازند و کارهای خارق‌العاده‌ایی را انجام می‌دهند تا منجی بیاید و جامعه بشری را نجات دهد، از باورها و عقاید دینی مردم سوءاستفاده کرده تا به خواسته‌های فکری و نفسانی خود بپردازند. آنان با استفاده از ناآگاهی توده‌های اجتماعی، به تبلیغ رفتار انحرافی به ظاهر منجی‌خواهی خود اقدام می‌کنند. گرایش به عرفان‌های کاذب را ترویج داده و مردم نیز به خاطر جذابیت فطری، گرایش به منجی‌گرایی و تشکیک مصداقی منحرفین، در دام معنویت انحرافی گرفتار می‌شوند. از این‌رو، نیازمند بررسی عوامل بازدارنده گسترش منجی‌گرایی مهدوی خواهیم بود.

در این‌باره کمتر پژوهشی صورت گرفته که از قرآن و سنت اخذ شده باشد. از این‌رو، ضرورت دارد از عوامل بازدارنده‌ایی که ریشه در اختلالات فکری و اعتقادی دارد، به‌عنوان یک نوع شکستن قواعد، هنجارها و الگوهای منجی‌گرایی - که در مکتب تشیع بیان شده است -، پرده برداشت و در فراگیر کردن آن در جهان تلاش کرد. آنچه که از نوآوری این گفتار شمرده می‌شود، نشان از ارائه الگویی از قرآن و حدیث است تا به نظریه اسلامی نوینی، در مواجهه با عوامل بازدارنده توسعه مهدی‌گرایی 7، در جامعه نزدیک شویم.

سؤال این است که اولاً: عوامل بازدارنده در توسعه منجی‌گرایی مهدوی چیست؟ ثانیاً چگونه می‌توان آن را کنترل کرد؟ بنابراین، در این پژوهش پس از بیان منجی‌گرایی در ادیان، به عوامل بازدارنده مهدویت اسلامی اشاره کرده و به سیاست‌گذاری‌های اجتماعی آن از منظر قرآن و حدیث پرداخته خواهد شد.

درباره توضیح مفاهیم کاربردی این پژوهش باید گفت، اگر انحراف را به‌معنای زیر پا گذاشتن قواعد، هنجارها و الگوهای رفتار بدانیم، این واقعیت را باید بپذیریم که به ازای هر هنجار یا قاعده‌ای، امکان و استعداد انحراف از آن وجود دارد (فرهت قائم‌مقامی، بی‌تا: ۷۱-۷۲). از این‌رو، گاهی در قالب حلقه‌های عرفانی (پایگاه خبری فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵) ظاهر می‌شود و گاهی به‌صورت ادعای منجی‌گری درمی‌آید (پایگاه خبری وعده صادق با عنوان

مدعیان شاید رابطه با امام زمان (عج)، (۱۳۹۵) و جامعه را در معرض آسیب‌های معنوی قرار می‌دهد. بنابراین، هر نوع رفتار منجی‌گرایانه که با هنجارها (Giddens, 1996: 142) یا مقررات اجتماعی جامعه اسلامی هم‌نوايي نداشته باشد (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۳۸) و یا به تعبیر اریکسون (۱۹۶۲)، یک انحراف عملی باشد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۱۵)، می‌تواند منجی‌خواهی منحرفانه تلقی شود. منحرف شدن از راه درست منجی‌جامعه و عدم تطابق با چارچوب مد‌لهای رفتاری و هنجارهای دینی، سبب می‌شود که رفتارهای اجتماعی در عرصه منجی‌گرایی، دچار اختلال گردد (گلایی، ۱۳۷۸: ۱۵۶).

### منجی‌گرایی در ادیان

منجی‌گرایی، یکی از رفتارهای دینی محسوب می‌شود که در ادیان مختلف وجود دارد. در آیین زرتشت، به موعود، «مزدیسنا» اشاره گردید که با عنوان «سوشیاس» به معنای رهاننده آمده است (ابراهیم‌پور، ۱۳۷۴: ۲). در آیین بودا، منجی موعود، با مفهوم «میتریه» (مهربان) بیان شده است. در الهیئات بودایی، او را، بودای پنجم و آخرین بودا از بوداییان زمینی می‌دانند که روزی خواهد آمد تا همه انسان‌ها را نجات دهد (کازینز، ۱۳۸۴: ۲۵). در آیین هندو، منجی موعود به نام «کالکی» در پایان آخرین دوره زمانی از ادوار چهارگانه؛ یعنی کالی یوگه ظهور خواهد کرد (ورونیکام، ۱۳۸۱: ۴۶). موعود یهودیت، «مسیح ماشیح» نام دارد که عده‌ایی به «مسیح پسر داود ۷» نام برده‌اند (کهن، ۱۳۸۲: ۳۵۲). در مسیحیت نیز، «مسیح»، منجی آخرالزمان است که روزی خواهد آمد و جهان را از نابسامانی نجات می‌بخشد (انجیل یوحنا: بندهای ۵۶ و ۱۲.۱۷/۵۷). در اعتقادات مسیحیت، گفته می‌شود که حضرت عیسی ۷ به صلیب کشیده شد و پس از سه روز و سه شب به خاک سپرده شد ولی در سپیده‌دم روز یک‌شنبه دیدند که در قبرش نیست (رسول‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۰۰). آنان معتقدند که آن حضرت یک روزی خواهد آمد. از ساعت و روز او، جز خدا کسی اطلاع ندارد (مکاشفه یوحنا: باب ۱۹).

در تمامی ادیان به‌ویژه اسلام، نگاه مثبت به منجی‌گرایی بیان شده است اما در مصداق منجی، اختلاف نظر وجود دارد؛ مذاهب مختلف اهل سنت، مهدی موعود ۷ را باور دارند ولی معتقدند که مهدی ۷ هنوز متولد نشده است و در آخرالزمان به دنیا می‌آید، در زمانی نامشخص، فردی با این نام متولد خواهد شد و به اصلاح جامعه می‌پردازد. شماری از آنان

نیز همانند شیعه امامیه، مهدی 7 را شخصی معین می‌دانند و معتقدند او پیش از این متولد شده و هم اکنون به زندگی خود ادامه می‌دهد. آن دسته از اهل سنت که ولادت مهدی 7 را پذیرفته‌اند، اختلاف‌هایی در سال ولادت حضرت دارند. برخی، سال ولادت را ۲۵۵ و برخی، سال ۲۵۸ قمری دانسته‌اند. برخی، نهم ربیع‌الاول و شماری دیگر، ۲۳ رمضان را ذکر کرده‌اند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳: ۴۳). اما شیعیان با دلایل و براهین متقن، معتقدند که امام مهدی (عج) در ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ قمری از نسل امام حسن عسکری 7 متولد گردیده و دارای دو غیبت صغری و کبری می‌باشند (قندوزی، ج ۳: ۸۲) در زمان ظهور، عدالت‌خواهی گسترش می‌یابد و قیام‌های متعددی علیه ظلم به‌جود می‌آید (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳: ۷۰).

خداوند سبحان، در قرآن کریم می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (نور: ۵۵)؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترس‌شان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند؛ آن‌چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقان هستند.

هم‌چنین می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵)؛ در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام، وارث (حکومت) زمین خواهند شد!» و نیز «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱)؛ همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست!

امام باقر 7 درباره آیه اخیر فرموده است: این آیه، در شأن آل محمد 6 یعنی مهدی 7 و اصحابش نازل شده است که خداوند سراسر زمین را به او تملیک می‌کند و به دست او دین را ظاهر می‌سازد و بدعت‌ها و باطل را از میان می‌برد تا حدی که اثری از ستم دیده نخواهد شد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳: ۵۶۲) در حدیث دیگری از امام صادق 7 نقل شده

است که می‌فرماید: زمین توسط امام مهدی 7 از عدل و داد پر می‌شود همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است (صدوق، ۱۳۵۹، ج ۱: ۲۸۷)؛ البته این روایت، بدین معنی نیست که تمام انسان‌ها، ظالم و شقی می‌گردند، بلکه انسان‌های خوب نیز به وفور وجود دارند، اما باید همه آنان به فرجام کار خوب و شقاوت کار بد خود برسند؛ زیرا در روایت دیگر امام صادق 7 می‌فرماید: ظهور منجی، تحقق نمی‌پذیرد مگر اینکه هر کدام از شقی و سعید به فرجام کار خود برسند (العسکری، ۱۳۶۰: ۷۵).

بنابراین، منجی‌گرایی در هر جامعه‌ای متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای مسلط مهدوی آن جامعه که مورد احترام افراد است، انجام می‌شود. در مکتب اهل‌البیت 7، مسلمانان چشم‌امید و انتظار ظهور امام مهدی 7 را آرزو می‌کند که از دوازدهمین فرزند پیاپی اسلام است. از این‌رو، هر گونه موعودگرایی خارج از چارچوب اسلام از رفتارهای دینی ضد ارزشی شمرده می‌شود.

## عوامل بازدارنده گسترش منجی‌گرایی مهدوی 7

### الف) شیطان

شیطان‌پرستی و نزدیک شدن فرد به شیاطین یکی از رفتارهای انحرافی است که در برخی از مدعیان منجی‌نما وجود دارد. شیاطین، از دشمنان خدای سبحان می‌باشند. آنان تلاش می‌کنند با نفوذ در انسان و وسوسه او، فرد را به انحراف از ارزش‌های الهی دعوت کنند. آن‌جایی که یکی از گرایش‌های درونی انسان، رفتارهای معنوی است و این تمایل به صورت فطری در انسان وجود دارد، شیاطین نیز برای انحراف انسان از منحرف کردن نیروی کشش فطری در انسان استفاده می‌کنند و با جهت‌دهی معنویت به سوی پرستش خود به جای خدا، اقدام می‌کنند؛ البته مقاومت در برابر شیاطین، تنها به کمک خدای سبحان امکان‌پذیر است و قرآن کریم به بشر یاد می‌دهد که در برابر وسوسه‌های شیطانی، از خدا کمک بگیرند و به او پناه ببرند: «وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ» (مومنون: ۹۷) و بگو پروردگارا! از وسوسه‌های شیطان‌ها به تو پناه می‌برم. «وَأَعُوذُ بِكَ رَبَّ أَنْ يَحْضُرُونِ» (مومنون: ۹۸) و پروردگارا، از اینکه [آنها] به پیش من حاضر شوند، به تو پناه می‌برم.

وسوسه‌های شیطان در عرصه منجی‌گرایی، به گونه‌ایی است که گاهی به‌طور مستقیم

شیاطین دست به کار می‌شوند و به گمراهی مردم می‌پردازند و در مواقعی از ابزارهای شیاطین انسانی استفاده می‌کنند. شیطان از موجودات پلیدی است که در دشمنی با خدای سبحان (جل و اعلی) قسم یاد کرده است که تمام بندگان خدا را به انحراف از دستورات الهی بکشاند، مگر بندگان خالص خدا را که توان نفوذ در آنها را ندارد: «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُحْلَصِينَ» (حجر: ۳۹ و ۴۰) و نیز در آیه دیگری می‌فرماید: «يَعِدُّهُمْ وَيَمْنِيَهُمْ وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» (نساء: ۱۲۰)؛ به آنها وعده‌ها (ی دروغین) می‌دهد؛ و به آرزوها، سرگرم می‌سازد؛ در حالی که جز فریب و نیرنگ، به آنها وعده نمی‌دهد.

به هر حال شیطان، تنها موجودی است که با خالق هستی، دشمن است و سر به نافرمانی گذاشته است و تلاش می‌کند انسان‌ها را از منجی حقیقی عالم بشری دور کند.

### ب) تضعیف «خود» در انسان

یکی از عوامل بازدارنده در توسعه منجی‌گرایی مهدوی، بی‌توجهی به شناخت خود در انسان است. «خود» که همان توان‌مندی‌های فرد و قدرتی است که فرد در اثر پرهیزکاری، می‌تواند در رفتارهای معنوی‌اش داشته باشد و عامل اصلی پیشرفت و سعادت انسان تلقی می‌شود. اگر فرد، در درونش، «خود» را تقویت کند و گناه نکند، می‌تواند به شکوفایی و پویایی دست یابد و خالقش را بهتر بشناسد و در ادامه مسیر حق برای رسیدن به خوشبختی جاودانه‌ای که خدای سبحان برای او در نظر گرفته است، گمراه نگردد و در شناخت منجی عالم بشریت نیز در مسیر اشتباه حرکت نکند.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ» (نساء: ۷۹)؛ و آنچه از بدی به تو می‌رسد، از خود توست؛ «مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ» (اسراء: ۱۵)؛ هر کس به راه آمده، تنها به سود خود به راه آمده است.

این دیدگاه اسلامی، نشان می‌دهد که سرچشمه تمامی رفتارهای منجی‌گرایانه انحرافی می‌تواند عدم شناخت فرد از خود باشد. این ناآگاهی، سبب بدرفتاری فرد می‌شود و فرد را مستعد پذیرش انواع کجروی‌های رفتاری می‌نماید و تمامی رفتارهای معنوی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از انجام گناه و انحراف، آبایی نخواهد داشت؛ کما اینکه اگر کسی

متوجه خود شد و هدایت گردید، به سود او خواهد بود و در پرتو هدایتش به خوشبختی جاودانه خواهد رسید. امام صادق 7 می‌فرماید: رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که خود را شناخت، خدای خود را نیز خواهد شناخت (بلخی، ۱۳۸۲: ۲۵۷). این عنصر تربیتی، سبب می‌شود که توانمندی فرد در برابر معنویت غیراسلامی تقویت شود و «خود» در فرد پویا گردد و با این هدایت، به‌دنبال منجی واقعی حرکت نماید.

### ج) گوشه‌گیری

گوشه‌گیری، از عواملی است که فرد را مستعد پذیرش منجی‌گرایی کاذب می‌کند. برای فرار از مشکلات اجتماعی، امید وی را به منجی غیر واقعی افزایش می‌دهد. چنین انسانی، فلسفه آزمایشی بلا را فراموش خواهد کرد و صبر و تحمل خود را از دست می‌دهد و به راحتی با وعده‌های دروغین، در دام منجی‌های غیر واقعی قرار می‌گیرد. قرآن کریم درباره نزول برخی از بلاها می‌فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵)؛ و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم؛ و شکیبایان را مژده ده.

این مژده به شکیبایان، در حالی است که فرد را به سمت خدا دعوت می‌کند و او را مستعد انجام فعالیت‌های بیشتر اجتماعی می‌سازد. خدای سبحان، به انسان یاد می‌دهد که اگر مصیبتی به شما رسید، به جای گوشه‌گیری و فرار از اجتماع و پناه‌بردن به منجی‌های کاذب، به خدا و آنچه که او برای هدایت و نجات انسان بیان کرده، توجه کنید: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» (بقره: ۱۵۶)؛ [همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم.

بنابراین، گوشه‌گیری از جامعه مسلمین، یکی از عوامل بازدارنده منجی‌گرایی مهدوی است. شخص را افسرده می‌کند و زمینه‌های پیوستن به کجروی در موعودگرایی را گسترش می‌دهد. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: مومنی که با مردم می‌آمیزد و بر آزار و اذیت آنان صبر می‌کند، برتر از مومنی است که با مردم نمی‌آمیزد و آزار و اذیت آنان را تحمل نمی‌کند (المتقی الهندی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۶۸۶) و نیز پیامبر خدا ﷺ به مردی که خواست برای

عبادت به کوه رود، فرمود: اگر فردی از شما در نقطه‌ای از جهان اسلام آنچه را که برایش ناگوار است، یک ساعت تحمل کند، بهتر از این است که چهل سال در خلوت و تنهایی به عبادت پردازد (الدر المنثور، نسخه خطی: ش ۵-۳۵۴۹۹). بنابراین، گوشه‌گیری از جامعه مسلمین و عدم حضور در اجتماعات اسلامی مانند مسجد و نماز جماعت و نیز در مراسم و شعائر مسلمانان شرکت نکردن و دوری‌گزینی از تجمعات دینی توسل به امام مهدی ۷، سبب می‌شود تا افراد در دام مدعیان دروغین منجی‌گرا گرفتار آیند و به جای باور به موعود و منجی واقعی به موعودهای کاذب روی آورند و دچار انحراف در فکر و رفتار و عمل گردند؛ چنانچه می‌توان شواهد بسیاری از این دست انحرافات را نشان داد که گرایش به ادعای مهدویت داشته‌اند (ر.ک: به پایگاه خبری فرهنگ انقلاب اسلامی / ۱۳۹۵).

#### د) تنوع‌طلبی در منجی‌گرایی

یکی از گرایش‌های غریزی در انسان، تنوع‌طلبی است. این تمایل حتی در عرصه دین‌خواهی و منجی‌گرایی و موعود مورد انتظار بشر، ممکن است سرایت نماید. این حس در انسان، سبب شده تا به دام شیاطین افتاده و به گمراهی کشیده شود. شیاطین، از این عنصر، استفاده می‌کنند. نمونه آن، خواهش‌های نفسانی و القائات شیطان در تشکیک افراد به منجی مهدوی است. در این مرحله، انسان تنوع‌طلب حتی در منجی عالم، مبتلا به تنوع‌خواهی شده و تصور می‌کند که از طریق راه‌های غیراسلامی، به خدا نزدیک خواهد شد در حالی که مصداق آن را اشتباه گرفته است و شیطان او را به گمراهی انداخت؛ او می‌خواهد تنوعی به اعمال معنوی خودش بدهد ولی این تنوع‌خواهی به دلیل ناآگاهی و عدم شناخت فرد نسبت به منجی واقعی به بی‌راهه کشیده می‌شود. پیامبر اکرم ۶ می‌فرماید: «کسی که بمیرد و امام زمان ۷ خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶: ۲۳ و کلینی، ۱۳۸۶: ۳۷۶).

بنابراین، تنوع‌طلبی در منجی‌خواهی و توسل به منجی غیر از آنچه که در مکتب اهل‌البیت ۷ مطرح شده، یکی از عوامل بازدارنده در توسعه منجی‌گرایی مهدوی است. برای کنترل تنوع‌طلبی در منجی‌خواهی، می‌توان شناخت و آگاهی نسبت به فرهنگ مهدوی و تقویت اعتقادات دینی در بین مردم را فراگیر و گسترش داد.



### ه) دنیاخواهی و تغییرات معنوی

دنیاپرستی، زمینه‌های تغییرات معنوی را در انسان به وجود می‌آورد و انسان دنیاطلب، به وسیله ریاضت‌های دنیوی به سوی انحراف کشانده می‌شود و از معنویت واقعی و اخروی - که می‌تواند منجر به خوشبختی نهایی او شود - باز می‌ماند. امام علی 7 می‌فرماید: «من احب الدنيا و تولاها، ابغض الاخره و عاداها...» (نهج البلاغه: حکمت ۱۰۳)؛ کسی که علاقه‌مند به دنیا و امور مادی شد، از امور اخروی و ماورای طبیعت متنفر خواهد شد و با آن دشمنی می‌ورزد و نیز آن حضرت می‌فرماید: هر کس که زیاد به یاد آخرت باشد، کمتر گناه می‌کند (آمدی تمیمی: ۷۵۰۲).

مدعیان منجی‌گرا در اثر دنیاخواهی، چنان از نجات انسان‌ها و عدل و داد سخن می‌گویند که گویا دیگران را به شک و تعجب می‌اندازند و حال آنکه از سخت‌ترین دشمنان خدا هستند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَ هُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ» (بقره: ۲۰۴)؛ و از میان مردم کسی است که در زندگی این دنیا سخنش تو را به تعجب وامی‌دارد و خدا را بر آنچه در دل دارد، گواه می‌گیرد و حال آنکه او سخت‌ترین دشمنان است. «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُزُورِ» (آل عمران: ۱۸۵)؛ و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست.

«أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْصَرُونَ» (بقره: ۸۶)؛ همین کسانی که زندگی دنیا را به [بهای] جهان دیگر خریدند، پس نه عذاب آنان سبک گردد، و نه ایشان یاری شوند.

بنابراین، یکی از عوامل بازدارنده منجی‌گرایی مهدوی، دنیاگرایی است. این عامل، سبب تغییرات اجتماعی زیادی در جامعه می‌شود و حتی توسل‌ات معنوی درست را تغییر می‌دهد و سبب رشد شیادان منجی‌گرا می‌شود که به تعبیر قرآن کریم علت آن ظلم و جور بندگان است: «مَثَلُ مَا يَنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتُهُ وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لَكِنُ أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ» (آل عمران: ۱۱۷)؛ مثل آنچه [آنان] در زندگی این دنیا [در راه دشمنی با پیامبر] خرج می‌کنند، همانند بادی است که در آن، سرمای سختی است، که به کشتزار قومی که بر خود ستم نموده‌اند، بوزد و آن را تباه سازد و خدا به آنان ستم نکرده، بلکه آنان خود بر خویش ستم کرده‌اند.

### (و) استفاده ابزاری از اعتقاد به منجی

برخی از منجی گرایان، برای نفوذ بیشتر در بین مردم از ادعاهای واهی استفاده می کنند. هدف آنان کسب ثروت است و درصدد هستند که با رفتارهای منجی خواهی، به آن دست یابند. خودشان را به حق نشان می دهند درحالی که از خدعه و نیرنگ استفاده می کنند و درصدد گسترش انحراف فکری خود به دیگران می باشند تا از طریق آن در آمد بیشتری کسب نمایند.

در جامعه دیندار، بسیاری از ارزش ها به دلیل اعتقادات مذهبی مردم نسبت به آن ها، تبلیغ می شود و افراد تلاش می کنند رفتار خود را با ارزش های الهی مسلط در جامعه منطبق سازند. مکانیزم هایی در دین وجود دارد که می تواند به واسطه ایجاد خوف از عذاب الهی و یا پاداش، به تثبیت ارزش های دینی در فرد کمک کند. از منظر قرآنی، کسانی که دین دار نیستند نمی توانند ارزش های دینی را در خود نهادینه نمایند. اینان همان افرادی هستند که به انحرافات معنوی در جامعه دینی دست می زنند. قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زِينَةً لَّهُمْ أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ» (نمل: ۴)؛ کسانی که به آخرت ایمان ندارند، اعمال (بد)شان را برای آنان زینت می دهیم، به طوری که سرگردان می شوند. برخی از مدعیان منجی گرایی، برای به دست آوردن مقام اجتماعی در یک جامعه دینی، تلاش می کنند که از معنویت و ایمان مردم، استفاده ابزاری نمایند و به جذب افراد در جهت تمایلات کاسبه کارانه خود پردازند. این آسیب، در جوامع دینی زیاده تر یافت می شود. از آن جایی که ایمان و باورهای اعتقادی قدرتمندی در بین افراد متدین وجود دارد و هر گونه رفتاری که خود را به هنجارهای دینی گره بزند در نزد مردم محترم شمرده می شود، از این رو، برخی از منحرفین برای کسب قدرت اجتماعی، از عامل مذهبی استفاده می کنند و بدون اینکه خودشان باور واقعی به دین داشته باشند، برای رسیدن به اهداف خود تظاهر به مذهب می کنند و فقط به هنرنمایی مذهبی در جامعه می پردازند و پس از مدتی که چهره آنان به عنوان فرد مذهبی و متدین شهرت پیدا کرد، هر انحرافی را در پناه دین، انجام می دهند و در اثر چهره سازی و مثبت نشان دادن خودشان در جامعه، برای کسب پول و قدرت تلاش می کنند. معمولاً، به بهانه شفای امراض و رفع بلاها و مانند آن با استفاده از ناآگاهی مردم، به اخاذی با ابزار هنجارهای دینی می پردازند و عده ای از مردم، فریب سخنان به ظاهر

مذهبی آنان را خورده و به سوی آنان جذب می‌شوند. در مجموع، می‌توان عوامل بازدارنده از گسترش منجی‌گرایی مهدوی را در جامعه اسلامی به دو بخش تقسیم کرد: برخی از این عوامل به حوزه فردی انسان مربوط می‌شود که بر اثر بی‌مبالاتی و بی‌تقوایی است که شیطان می‌تواند از این عامل، استفاده کند و فرد را به سمت منجی‌های انحرافی سوق دهد. بخشی دیگر مربوط به حوزه‌های اجتماعی است که سبب سوءاستفاده مدعیان منجی‌گرایی می‌گردد و برای کسب پول و درآمد به آن دامن می‌زنند و با استفاده ابزاری از دین به گسترش منجی‌گرایی غیراسلامی می‌پردازند. در ذیل به چگونگی مقابله با آن خواهیم پرداخت.

### چگونگی کنترل

به مکانیسم‌هایی که جامعه برای واداشتن اعضایش به سازگاری و انطباق با هنجارهای اجتماعی به کار می‌برد، کنترل اجتماعی گفته می‌شود (ستوده، ۱۳۷۶: ۱۳۳). جامعه، می‌تواند نیروی تنظیم‌کننده‌ای بسازد تا همان نقش را در تأمین نیازهای اخلاقی انسان ایفا کند که اندام موجود زنده در تأمین نیازهای جسمی ایفا می‌کند (کوزر، ۱۳۷۶: ۱۹۱). به عواملی که یک جامعه در جهت حفظ معیارهای خود به کار می‌برد و مجموع موانعی که به قصد جلوگیری افراد از کج‌روی، جلوی پای آنان قرار می‌دهد، کنترل اجتماعی گفته می‌شود (ستوده، ۱۳۷۶: ۱۳۳). در ادامه به برخی از معیارها نسبت به نظارت بر رفتارهای منجی‌گرایانه، اشاره می‌شود.

#### ۱) امر به معروف و نهی از منکر

یکی از معیارهایی که اسلام، برای کنترل منجی‌گرایی غیراسلامی، بیان کرده است، مکانیسم امر به معروف و نهی از منکر است. در نگاه اسلامی نظارت بر منجی‌گرایی، از اهمیت بالایی برخوردار است تا افراد در جامعه، به سمت رفتارهای منظم و با ثبات و درست اسلامی هدایت شود و هنجارشکنان اندک سبب، عذاب اکثریت نشوند (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۵: ۱۴۰ و ۴۰۷).

امام صادق ۷ می‌فرماید: هرگاه مردم در برابر زشت‌کاری‌هایی که در میان‌شان

صورت می گیرد، دم فرو بندند و آن را تغییر ندهند، زود باشد که خداوند عزوجل کیفر خود را شامل همه سازد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸: ۱۰۰). در برخی از آیات قرآنی به نظارت و کنترل درونی فرد تأکید شده است: «إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ» (طارق: ۴)؛ همانا هر کس مراقب و محافظی دارد.

محافظ انسان در قرآن، گاهی در قالب نظارت درونی همانند تقوا و پرهیزکاری، ایمان و عمل صالح بیان شده است و در برخی دیگر به وظایف متولیان اجتماعی مربوط است که در قالب مبارزه علنی با انحرافات بیان گردیده است. امام علی ۷ در عهدنامه مالک اشتر می فرماید: «سپس در امور کارمندان بیاندیش ... و از همکاران و نزدیکان سخت مراقبت کن» (نهج البلاغه: نامه ۵۳). بنابراین، نمی توان به بهانه اینکه افراد باید خودشان را اصلاح کنند، از اصلاح جامعه صرف نظر کرد و به نظارت بر رفتارهای منجی گرایانه نپرداخت.

## ۲) بشارت و انذار

دومین معیار نظارت بر منجی گرایی، بشارت و انذار است. پیامبران و معصومین ۷ از طریق بشارت و موعظه، به هدایت انسان ها می پرداختند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (نحل: ۱۲۵)؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن. و «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵)؛ با آنان به [شیوه ای] که نیکوتر است، مجادله نمای. پیامبر اکرم ۶ نیز بر این امر تأکید می کند و می فرماید: «من، مأمور به مدارا و رفتار نیک با مردم شده ام؛ همان گونه که به واجبات امر شدم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴: ۱۵۳). در فرازی از زیارت جامعه کبیره خطاب به معصومین می خوانیم: «و شما معصومین با حکمت و موعظه نیکو مردم را فرا خواندید» (قمی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۷۴).

تشویق به راه های معنویت اسلامی از طریق وعده بهشت، و تبشیر پیامبران و شرح و توضیح آن با تأکید بر قرآن و روایات، می تواند الگوی مناسبی برای تثبیت ارزش های منجی گرایی اسلامی باشد و افراد را از انجام رفتارهای انحرافی باز دارد. امام علی ۷ خطاب به مالک اشتر می فرماید: «...پی درپی آنها را تشویق کن در کارهای مهمی که انجام می دهند...» (نهج البلاغه: نامه ۵۳). قرآن کریم می فرماید: «وَمَا نُزِّلُ الْأُمْرَ سَلِيلًا إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ» (انعام: ۴۸)؛ پس خداوند پیامبران را با سلاح بشارت و بیم دهنده برانگیخت.

بنابراین، عامل تشویقی، در قالب بشارت، انذار و موعظه نیکو، سبب می‌شود که ارزش‌های درست منجی‌خواهانه در فرد تثبیت شود.

### ۳) اصلاح رفتارهای فردی

از معیارهایی که می‌تواند فرد را در کنترل درونی خودش نسبت به منجی‌گرایی غیراسلامی، کمک نماید، عمل و کردار درست اسلامی او است. عمل نیک و توجه قلبی و کرداری فرد به حضور خداوند در تمام موقعیت‌ها، سبب می‌شود که او اخلاقش را با دیگران نیکو سازد و به سوی اعمال معنوی ارزشمند و مثبت در جامعه سوق پیدا کند. امام صادق 7 به ابن ابی‌یعفور می‌فرماید: «کونوا دعاه الناس بغير السنتکم»؛ مردم را به غیر از زبانتان دعوت به دین کنید تا سعی و کوشش و درستی و خویشتن‌داری را از شما مشاهده کنند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶۷: ۳۰۹)؛ شرکت نکردن در مجالس عرفان‌های کاذب منجی‌گرا، نقش مهمی در نظارت فرد بر رفتارش خواهد داشت و عامل بازدارنده‌ای خواهد بود که فرد به سوی عرفان‌های کاذب نرود. امام صادق 7 می‌فرماید: «لا ینبغی للمؤمن ان یجلس مَجْلِساً یُعصی الله فیهِ و لا یقدر علی تغییره» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱: ۱۹۹ - ۲۶۰)؛ مومن را شایسته نیست که در مجلسی نشیند که در آن خداوند نافرمانی شود، در حالی که او بر تغییر آن نافرمانی ناتوان است. خداوند متعال در سوره انعام (۶۸)؛ و چون بینی کسانی [به قصد تخطئه] در آیات ما فرو می‌روند، از ایشان روی برتاب.

بنابراین، فردی که در مجالس منجی‌های کاذب انحرافی شرکت نمی‌کند، به راحتی می‌تواند به دنبال موعودی باشد که از طریق وحی بر پیامبر اسلام معرفی شده است: «بَقِیْتُ اللّٰهَ خَیْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِیْنَ وَمَا اَنَا عَلَیْكُمْ بِحَفِیْظٍ» (هود: ۸۶)؛ اگر مؤمن باشید، باز نهاده الهی برای شما بهتر است و من نگهبان شما نیستم. بنابراین، انجام اعمال نیک، مداومت بر کارهای معنوی مناسب و مجبور کردن نفس بر ترک عرفان‌های کاذب شیطانی، سبب می‌شود که فرد بتواند خود را از منجی‌گرایی انحرافی باز دارد و به سمت زندگی پاک هدایت شود.

#### ۴) تکیه بر ارزش‌های معنوی اندیشه مهدویت

برخی از جامعه‌شناسان همانند اگوست کنت معتقدند: که معنویت، دارای قدرت است و قدرت معنویت می‌تواند افراد را برای پذیرش ارزش‌های جامعه و وظایفی که به دوش آنان است، آماده سازد (مندراس، ۱۳۴۹: ۱۶۴)، این موضوع، سبب می‌شود تا در صورتی که افراد از ارزش‌های معنوی دور شوند، به آنان یادآوری شود که رفتار خود را کنترل نمایند. ارزش‌های جامعه مهدوی، گرچه خارج از ارزش‌های اسلامی نیست، اما برخی از ارزش‌های مهدویت، نمود بیشتری در جامعه دارد که با تکیه بر آن می‌توان منجی‌گرایی انحرافی را به کنترل در آورد. برخی از ارزش‌های جامعه مهدوی به گونه‌ای است که در رفتار پیروان امام مهدی ۷ به وفور یافت می‌شود. از جمله این ویژگی‌های این افراد چنین است که خوش‌نام و شایسته هستند (بحرانی، ج ۲: ۲۴) در کارهای خیر پیش قدم بوده و از خیرین می‌باشند (همان: ۲۲). آنان افرادی هستند که دارای مقام اجتماعی بی‌نظیری می‌باشند (مؤسسه معارف اسلامی، ج ۳: ۱۰۰)؛ عاشق خدا و از ایمان سختی برخوردارند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۰۸) با تقوا و پرهیزکار می‌باشند و از پارسایان محسوب می‌شوند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳: ۴۸۶) یاران آن حضرت در جهاد مانند شیرند و در نیایش شب‌زنده‌دارند، دل‌هاشان مانند پاره‌های آهن، محکم و استوار است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲: ۳۸۶) و در عبودیت و بندگی و اطاعت خدا بسیار سخت‌کوش‌اند (ابن بابویه، ج ۱: ۲۶۸) آنان در دل شب، ناله‌هایی از خشیت خدا دارند؛ چون ناله مادران داغ‌پسر دیده، آنها شب‌زنده‌داران در دل شب و روزه‌داران در طول روز هستند (یزدی حایری، ج ۲: ۱۶۵).

فراگیر کردن این ارزش‌ها در جامعه مهدوی مسلمانان، سبب می‌شود که منجی‌های کاذب، زمینه لازم برای گسترش عقاید انحرافی خود پیدا نکنند. با مطالعه در نهج‌البلاغه به این روش امام علی ۷ در کنترل رفتارهای مردم دست می‌یابیم. در تمامی سفارشات امام علی ۷ در روابط فردی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی و همانند آن به ارزش‌های معنوی توجه شده است و حضرت تلاش می‌کنند که افراد را از شیاطین بازدارند و به سوی خداگرایی، تقوا و پرهیزکاری رهنمون سازند و می‌فرماید: «رَجِمَ اللَّهُ امْرَأً تَفَكَّرَ فَأَعْتَبَرَ، وَاعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ»؛ رحمت خدا بر کسی که فکر و اندیشه کند و عبرت گیرد و سپس بینا شود و راه تکامل را بازشناسد (آمدی تمیمی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۴۲) و نیز می‌فرماید: ای مردم، آن کس

که از راه آشکار و جاده حق ره سپارد، به آب می‌رسد و کسی که مخالفت کند در حیرت و سرگردانی قرار خواهد گرفت (نهج‌البلاغه، ۴/۲۰۱). فراگیر کردن ارزش‌های مهدوی، معارف اسلامی و تفکر خداشناسی و بالابردن سطح آگاهی مردم در ایمان به خدای سبحان، سبب می‌شود که افراد مسلمان به راحتی تحت تأثیر تبلیغات مدعیان، واقع نشوند و از تشخیص راه حق منحرف نگردند. بنابراین، با گسترش ارزش‌های جامعه مهدوی و نفوذ آن در روابط فردی و اجتماعی، می‌توان به نظارت و کنترل عمومی جامعه از منجی‌گرایی غیرمهدوی پرداخت.

#### ۵) نقش نهاد خانواده در تربیت مهدوی

خانواده می‌تواند فرد را به سمت فطرت پاک منجی‌گرایی اسلامی سوق دهد و فرزندان را با معنویت دینی و مناسب با تولای اهل‌البیت ۷ تربیت کند (آقانهانی، ۱۳۸۹: ۱۲۰). آنان را به سمت احترام به شعایر اسلامی سوق دهد و تلاش نماید، با انجام پرستش خدا و توسلات به پیامبر خدا ۶ و امامان معصوم ۷ و آخرین منجی عالم بشری، راه‌های کسب فضائل معنوی را به فرزندان آموزش دهند. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا» (نوح: ۲۷)؛ چرا که اگر آنها را باقی بگذاری، بندگانت را گمراه می‌کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی‌آورند! پیامبر اکرم ۶ می‌فرماید: از خوشبختی مرد، داشتن فرزند شایسته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۸: ۱۰۴). باید توجه داشت که مدعیان منجی، یا دارای خانواده‌ای منحرف هستند و یا در محیط اجتماعی دیگری به سوی منجی‌گرایی غیرمهدوی کشیده شده‌اند. برقراری ارتباط با خانواده‌های صالح و با تقوا، تأثیر به‌سزایی در رشد صحیح منجی‌گرایی در بین فرزندان خواهد داشت. امام علی ۷ سفارش می‌کند که با خانواده‌های خوب و صالح، روابط دوستانه برقرار کنید و خطاب به مالک‌اشتر می‌فرماید: روابط خود را با افراد با شخصیت و اصیل و خاندان‌های صالح و خوش سابقه برقرار ساز (نهج‌البلاغه: نامه ۵۲/۵۳). بنابراین، پدر و مادر می‌توانند الگوهای درست منجی‌گرایی را به فرزندان آموزش دهند و با شرکت در محافل دینی مهدوی (ملکی، ۱۳۸۹: ۱۲۶) و دعا و توسلات، رفتارهای معنویت‌خواهانه فرزندان را کنترل نمایند (ر.ک. ملکی‌راد، ۱۳۹۵).

### ۶) نقش نهاد تعلیم و تربیت در انتقال ارزش‌های مهدوی

برخی دیگر از عوامل مؤثر بر منجی‌گرایی مهدوی که در روایات نیز به آن اشاره شده است، نقش معلم و دانشمندان است. علماء و دانشمندان مسلمان، انسان‌های پاک و دلسوزی هستند که در برابر کجی‌ها و زشتی‌ها نمی‌توانند بی‌تفاوت باشند. امام علی ۷ می‌فرماید: نافرمانی از دستور نصیحت‌کننده مهربان، عالم دانا و باتجربه، باعث پشیمانی و اندوه ناگوار خواهد شد (نهج‌البلاغه: خطبه ۲/۳۵). معلم و استاد دانشگاه در مواجهه با منجی‌گرایی و پاسخ به اشکالات فراگیران علم و قانع کردن استدلالی آنان و بحث و بررسی پیرامون شبهات مدعیان دروغین، می‌توانند جامعه را از آسیب‌های منجی‌گرایی انحرافی نجات بخشند. امام علی ۷ می‌فرماید: در جلسات درس دانشمندان و اساتید زیاد به گفت‌وگو بنشین و با حکماء و اندیشمندان نیز بسیار به بحث و بررسی پرداز که وضع کشور را اصلاح می‌کند (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۲۰/۱۹۲).

بنابراین، نظارت معلم و دانشمندان، نقش مهمی در کنترل رفتارهای مدعیان منجی‌گرایی خواهد داشت.

### ۷) نقش همسالان و گروه‌های دوستی در انتقال ارزش‌های مهدوی

مدعیان منجی‌بخش، با نفوذ در بین دوستان و همسایگان، به ترویج افکار انحرافی خود می‌پردازند تا شرایط محیطی ایمنی را برای خود فراهم نمایند. امام علی ۷ می‌فرماید: قبل از حرکت برای سفر درباره هم‌سفرت و پیش از خریدن منزل درباره همسایه‌ات، سؤال و تحقیق کن (نهج‌البلاغه: نامه ۱۱۵/۳۱). دوستی و رفاقت و برقراری ارتباط با همسالان، می‌تواند در بروز رفتارهای معنوی بزهکارانه مؤثر باشد و نیز می‌تواند رفتارهای منجی‌گرایی مثبت را تقویت کند. امام علی ۷ در رابطه با نقش تربیتی بسیار حساس «دوستان» نسبت به یکدیگر می‌فرماید: همیشه نصیحت خالصانه‌ات را برای دوست خود آماده ساز، شیرین و نیکو باشد یا تلخ و ناراحت‌کننده (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱: ۱۰۰) و آن‌گاه هشدار می‌دهد که با این افراد، دوست نباشید و از آنها دوری کنید: از دوستی با احمق (نهج‌البلاغه / حکمت ۳۸) و از دوستی با بخیل پرهیز (نهج‌البلاغه / حکمت ۳۸) و برحذر باش از دوستی با انسان فاسد و جنایتکار (نهج‌البلاغه / حکمت ۳۸) و برحذر باش از دوستی با دروغگو (نهج‌البلاغه / حکمت ۳۸).



آن‌گاه پس از معرفی الگوهای دروغین دوستی، معیار انتخاب دوستان صالح را بیان می‌فرماید: به نیکوکاران نزدیک باش که از آنان خواهی شد و از اهل شر و بدی دوری کن تا از آنها برکنار باشی (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱: ۹۲). همنشینی با انسان‌های فاسد و هواپرست، ایمان را به دست فراموشی می‌سپارد و شیطان را حاضر می‌کند (نهج‌البلاغه / خطبه ۱۱/۸۶). بنابراین، بسیاری از انحرافات معنوی توسط دوستان فرد به او سرایت می‌کند. هر چه رابطه دوستی بین دو نفر مستحکم‌تر باشد، در بروز رفتار منجی‌گرایی فرد بیشتر تأثیرپذیر است. برای کنترل منجی‌گرایی کاذب، باید از دوستی‌های فرزندان سر در آورد و با هدایت به سمت دوستی‌های سالم از آسیب‌پذیری آنان جلوگیری کرد.

#### ۸) نقش نهاد حکومت و سیاست در تحکیم ارزش‌های مهدوی

حکومت نیز می‌تواند در کاهش یا افزایش ناهنجاری‌های منجی‌گرایی در جامعه اسلامی نقش به‌سزایی داشته باشد. امام علی ۷ می‌فرماید: «مردم را بر من - حاکم اسلامی - حقی است؛ اما حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و شما را تعلیم دهم تا از جهل و نادانی نجات یابید و شما را تربیت کنم تا فراگیرید و آگاه شوید و هشدار می‌دهد که نگذارند رهبری جامعه به دست ناهلان قرار گیرد، که فرد و جامعه را به تباهی و نابودی می‌کشانند» (نهج‌البلاغه، نامه: ۶۲: ۹).

علاوه بر این، حکومت می‌تواند با بازخواست مدعیان نوظهور منجی‌گرا به نظارت آنان بپردازد. در روایات زیادی، می‌توان شیوه بازخواست در انحرافات گوناگون را مشاهده نمود. امام علی ۷، درباره مصقله بن‌هبیره شیبانی - حاکم فیروزآباد فارس - به خاطر رعایت نکردن رفتارهای عادلانه اسلامی توبیخ می‌کند و می‌نویسد: «از تو به من خبری رسیده است، اگر چنان کرده باشی، خدای خود را به خشم آورده باشی و امام خویش را نافرمانی کرده، تو غنیمت مسلمانان را که نیزه‌ها و اسب‌هاشان گرد آورده و... به خدایی که دانه را کفیده و جاندار را آفریده! اگر این سخن، راست باشد، نزد من رتبه خود را فرود آورده‌ای و میزان خویش را سبک شمرده اید!» (نهج‌البلاغه: نامه ۴۳).

در سیره پیامبر اکرم ۶ چنین آمده است: «پیامبر گرامی اسلام ۶ در بازار مدینه از کنار یک (کالای) خوراکی رد شد. پس به صاحب آن فرمود: خوراکی تو را خوب

می‌بینم! و آن‌گاه از قیمت آن سؤال کرد. در این هنگام، خداوند عزوجل، به آن وحی کرد که دستانش را در داخل آن خوراکی ببرد. آن حضرت چنین کرد و خوراکی نامرغوبی پدیدار شد؛ آن‌گاه به صاحب کالا فرمود: جز این نمی‌بینم که بین خیانت و فریب مسلمانان، جمع کرده‌ای! (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲: ۲۰۹).

این مصادیق، نشان می‌دهد که در برابر انحرافات رفتاری از جمله مدعیان نوظهور منجی‌گرا، نباید سکوت کرد و با توییح و تنبیه به کنترل آنان در جامعه اقدام نمود و نیز در مواجهه با آن می‌توان از مکانیزم‌های، برکناری و عزل افراد، از پست‌های اداری و حکومتی استفاده کرد.

امام علی ۷ در مورد کار گزارانش چنین توصیه می‌کند: و خود را از کارکنان واپای، اگر یکی از آنان دست به خیانتی گشود، و گزارش جاسوسان تو بر آن خیانت، همداستان بود، بدین‌گواه بسنده کن و کیفر او را با تنبیه بدنی بدو برسان و آنچه بدست آورده، بستان. سپس او را، خوار بدار و خیانکار، شمار و طوق بدنامی را به گردنش بگذار» (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳). حضرت در نامه‌ای به رفاعه می‌فرماید: «ابن‌هرمه را بی‌درنگ از کار برکنار کرده، به زندان افکن، روز جمعه او را از زندان خارج کن و سی و پنج تازیانه بزن و در کوچه و بازار بگردان و هر کس دلیلی بر طلبه‌کاری از او آورد، طلبش را پرداز، سپس او را به زندان بازگردان و پاهایش را زنجیر کن و تنها هنگام نماز آن را بگشای و اجازه نده کسی به بهانه آوردن خوراک و پوشاک با او ملاقات کند. حقوقش را نیز قطع کن و گزارش کار خود را برای من بفرست» (ابی‌حنیفه، ج ۲: ۵۳۲).

علاوه بر این، امام علی ۷ ابوالاسود دؤنلی را برای عدم رعایت برخی از مسائل قضاوت، عزل می‌کند و وقتی که ابوالاسود اعتراض می‌کند، آن حضرت در پاسخ می‌فرماید: دیدم که سخت بلندتر از سخن طرف دعوا در دادگاه می‌باشد (الاحسائی ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۴۳).

بنابراین عزل و برکناری فرد از سمتی که در حکومت داشته، سبب می‌شود که مدعیان نوظهور منجی‌گرا نتوانند به فعالیت خود ادامه داده و ارزش‌های مسلط منجی‌گرایی مهدوی را در یک جامعه اسلامی، تضعیف نمایند. گاه لازم است حکومت اقتدار خودش را به مدعیان دروغین نشان دهد و حتی برخورد نظامی با آنان داشته باشد. نمونه بارز آن برخورد

حکومت عراق با جریان الکرعاوی است که مدعی نیابت از امام زمان 7 بود و به قصد حمله به نجف اشرف سلاح و عده جمع کرده بود که قبل از انجام عملیات توسط حکومت عراق سرکوب گردید (ر.ک: حجامی: ۱۳۹۵).

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش، به شناخت عوامل بازدارنده مهدویت‌گرایی از دیدگاه اسلامی پرداختیم که با توجه به آموزه‌های کتاب و سنت، عواملی مانند: موجودات شیطانی، بی‌ارزش تلقی کردن «خود» در انسان، فرار از تعاملات اجتماعی و گوشه‌گیری از اجتماع مسلمین، دنیاطلبی و تغییرات معنوی و حس تنوع‌طلبی مهارگسیخته انسان در منجی‌گرایی و در نهایت استفاده ابزاری از دین توسط مدعیان نوظهور منجی‌گرا، سبب شده است که منجی‌گرایی مهدوی مورد نظر اسلام دچار چالش گردد و بنیان‌های اعتقادی و ارزشی مهدوی (عج)، با گسترش شبهات به سوی ضعف، مدیریت شود.

سزاوار است برای هویت‌بخشی و فراگیر نمودن منجی‌گرایی مهدوی (عج) به کنترل عوامل بازدارنده از توسعه مهدوی 7 پرداخت. سیاست‌گذاری‌های اجتماعی مورد نظر این پژوهش برای چگونگی کنترل عوامل مذکور به قرار ذیل است:

۱) لازم است با هدایت کردن اқشار گوناگون اجتماعی نسبت به شناخت راه‌های درست منجی‌گرایی مهدوی مورد نظر اسلام دست یازید و نیز اطلاعات مورد نیاز برای گروه‌های سنی را بازنویسی نمود.

۲) افراد متولی گسترش فرهنگ مهدوی، در انجام رفتارهای فردی و اجتماعی خود، بر اساس معیارهای مورد نظر فرهنگ اهل بیت 7 عمل کنند.

۳) با تکیه بر ارزش‌های معنوی مهدویت اسلامی در سطح ملی و بین‌المللی در بین مسلمین، می‌توان به کنترل دیدگاه‌های کاذب پرداخت.

۴) با تربیت و هدایت ادعیه و توسلات اعضای خانواده به سمت توسل به اهل بیت و امام عصر 7 می‌توان از جذب افراد به مدعیان منجی‌گرا جلوگیری کرد.

۵) نصایح و گفتار دانشمندان و علماء در هدایت و شناخت مردم نسبت به منجی‌گرایی مهدوی (عج) نقش مهمی در کنترل دیدگاه‌های کاذب دارد.

۶) حکومت در جامعه اسلامی برای حفظ فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در کنترل منجی‌گرایی کاذب، دارای نقش مؤثری می‌باشد و می‌تواند با پشتکار و قاطعیت، به اصلاح، بازخواست، توبیخ و برکناری افرادی که به انحرافات منجی‌گرایی دامن می‌زنند، پردازد.

۷) نظارت بر گروه‌های دوستی سنین نوجوان و جوانان، در کنترل گرایش آنان به منجی‌گرایی کاذب دارای اهمیت ویژه‌ای است.

۸) دو مکانیزم امر به معروف و نهی از منکر سبب می‌شود که ارزش‌های جامعه مهدوی گسترش یابد و با بسط آن در جامعه، منجی‌گرایی کاذب کنترل گردد.



### کتابنامه

- \* قرآن کریم، ترجمه: آیت الله مکارم شیرازی.
- \* نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی.
۱. آقا تهرانی، مرتضی و محمدباقر حیدری کاشانی (۱۳۸۹)، خانواده و تربیت مهدوی، تهران: انتشارات کتاب یوسف.
  ۲. آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۶)، غررالحکم و دررالکلم، مصحح: مهدی رجایی، تهران: نشر دارالکتاب الاسلامی.
  ۳. ابراهام کهن (۱۳۸۲)، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه: امیر فریدون گرگانی، تهران: نشر اساطیر.
  ۴. ابراهیم پور، داود (۱۳۷۴)، سوشیانس، تهران: نشر فروهر.
  ۵. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۷۷)، کمال‌الدین و تمام‌النعمة فی اثبات‌الغیبه و کشف‌الخبره، شرح: محمدباقر کمره‌ای، ج ۱، تهران: انتشارات اسلامی.
  ۶. ابی حنیفه النعمان بن محمد ([بی‌تا])، دعائم‌الاسلام و ذکرالحلال و الحرام و القضايا و الاحکام، بیروت: انتشارات المناره.
  ۷. الاحسائی، محمد بن علی بن ابراهیم (۱۴۰۳)، عوالی‌الثالی العزیه فی الاحادیث‌الدینیة، بتحقیق المتبع: الحاج مجتبی‌العراقی، ج ۲، قم: دار سیدالشهداء.
  ۸. ایونس، ورونی‌کام (۱۳۸۱)، شناخت اساطیر هند، ترجمه: باجلان فرخی، تهران: نشر اساطیر.
  ۹. بحرانی، هاشم ([بی‌تا])، البرهان فی تفسیرالقرآن، ج ۲، قم: مؤسسه البعثة قسم الدراسات الاسلامیه.
  ۱۰. بلخی، بوعلی شقیق بن ابراهیم (۱۳۸۲)، مصباح‌الشریعه، ترجمه: جلال برنجیان، تهران: نشر طور.
  ۱۱. پایگاه خبری فرهنگ انقلاب اسلامی (۱۳۹۵ مرداد)، خیر ۱۳۱۸۸۰.
  ۱۲. پایگاه خبری وعده صادق (۱۳۹۵ مرداد)، مدعیان شیاد رابطه با امام زمان ۷.
  ۱۳. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۳۹۵)، الدرک‌المنثور، نسخه خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ش ۵، ۳۵۴۹۹.

۱۴. حجامی، حسین (۱۳۹۵)، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت، قم: انتشارات پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی.
۱۵. رسول‌زاده، عباس و دیگران (۱۳۸۹)، شناخت مسیحیت، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۴.
۱۶. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۶)، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور.
۱۷. شیخ‌وندی، داور (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی انحرافات، آسیب‌شناسی جامعه‌ی، تهران: نشر مرنديز.
۱۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۳)، منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر ۷ ترجمه و تلخیص: لطیف راشدی و دیگران، قم: نشر مسجد جمکران.
۱۹. صدیق سروسناتی، رحمت‌الله (۱۳۸۶)، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات سمت.
۲۰. عاملی، محمد بن حسن (شیخ حر) (۱۴۱۳ق)، تفصیل وسایل الشیعة الی تحصیل مسایل الشریعة ج ۵، مؤسسه آل‌البیت ۷ الاحیاء التراث.
۲۱. \_\_\_\_\_، ج ۱۲، قم: مؤسسه آل‌البیت ۷ الاحیاء التراث.
۲۲. العسکری، نجم‌الدین جعفر (۱۳۶۰)، المهدي الموعود المنتظر، تهران: نشر مؤسسه الامام المهدي ۷.
۲۳. فرهت قایم‌مقامی، ابوالقاسم (ابی تا)، نظام گسیختگی و انحرافات اجتماعی (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی رفتار انحرافی)، تهران: نشر نیلوفر.
۲۴. فغانی، یوحنا (ابی تا)، انجیل یوحنا، قم: نشر دارالمعارف.
۲۵. قمی، محمد بن علی بن حسین بابویه (شیخ صدوق) (۱۳۷۸)، عیون أخبار الرضا ۷، تهران: نشر جهان.
۲۶. قندوزی، سلیمان (۱۳۸۵ق)، ینابیع الموده، ج ۳، عراق: دارالکتب العراقیه، مکتبه‌المهدی.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۶)، الکافی، ج ۱، قم: نشر نور وحی.
۲۸. کازینز، ال. اس (۱۳۸۴)، آئین بودا، ترجمه: علی‌رضا شجاعی، قم: نشر مرکز مطالعات ادیان و مذاهب.
۲۹. گلابی، سیاوش (۱۳۷۸)، اصول و مبانی جامعه‌شناسی، تهران: نشر میترا.
۳۰. لوئیس، کوزر (۱۳۷۶)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

۳۱. ملکی، حسن (۱۳۸۹)، خانواده و تربیت دینی، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۳۲. ملکی‌راد، محمود (۱۳۹۵)، خانواده و زمینه‌سازی ظهور، قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۳. المتقی الهندی، علاالدین (۱۴۰۹ق)، المرشد الی کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، ج ۴، بیروت: النشر مؤسسة الرساله.
۳۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدر اخبار الائمة الاطهار، ج ۱۰۰، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۵. \_\_\_\_\_، ج ۶۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. \_\_\_\_\_، ج ۵۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. \_\_\_\_\_، ج ۷۰، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. \_\_\_\_\_، ج ۷۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۹. \_\_\_\_\_، ج ۷۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۰. \_\_\_\_\_، ج ۷۶، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۱. \_\_\_\_\_، ج ۹۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۲. مؤسسه معارف اسلامی (۱۴۲۸ق)، معجم احادیث الام المهدی ۷، ج ۳، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۴۳. مندراس، هانری و ژرژ گوریچ (۱۳۴۹)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه: باقر پرهام، تهران: نشر امیر کبیر.
۴۴. یزدی حائری، علی بن زین العابدین (۱۴۲۸ق)، الزام الناصب، ج ۲، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
45. Giddens, Anthony (1996), *Sociology, Scnd Edition Fully Revised & Updated* Polity Press.